

صورت‌بندی شاخص‌ها و طراحی الگوی توسعه قضایی؛ مطالعه موردی دادگستری استان تهران^۱

مهدی حاجی حسینی^۲

خلیل میرزایی^۳

حسن محدثی گیلوایی^۴

چکیده

این جستار با هدف بررسی و شناسایی شاخص‌ها و طراحی الگوی توسعه قضایی، به مطالعه و کاوش در رابطه با مفهوم توسعه قضایی پرداخته است. روش این مطالعه، کیفی است که در مرحله اول به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و در مرحله دوم با استفاده از تکنیک دلفی، با بیست نفر از صاحب‌نظران و مدیران قوه قضاییه و دادگستری استان تهران، به عنوان متولیان اجرایی حوزه توسعه قضایی، که به شکل تصادفی انتخاب شده‌اند، با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساخت‌یافته انجام شده است. مفهوم توسعه قضایی عبارتست از؛ کارآمدی قوه قضاییه جهت رسیدگی مستقل، سریع، دقیق و تخصصی به پرونده‌های قضایی، تلاش برای پیش‌گیری از وقوع جرم، گسترش عدالت و آزادی، ثبات ساختار و تشکیلات و تامین منابع انسانی و فیزیکی، نظارت بر حسن اجرای قانون و اصلاح و به‌روزرسانی رویه‌ها، نظارت و ارتقاء عملکرد ضابطان، تلاش برای مبارزه با فساد و حل بحران مشروعیت، توسعه دادرسی الکترونیک و فناوری‌ها و گسترش مشارکت‌های مردمی و به کارگیری روش‌های غیر قضایی حل و فصل دعاوی. سرانجام توسعه قضایی بر اساس منطق علمی شاخص‌سازی در هشت بعد و بیست شاخص اصلی دسته‌بندی شد.

واژگان کلیدی: توسعه قضایی، دادگستری، قوه قضاییه، کارآمدی، توسعه مشارکتی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی مهدی حاجی حسینی تحت عنوان «توسعه قضایی در ایران و عوامل اقتصادی - جامعه‌شناختی موثر بر آن (مورد مطالعه: دادگستری استان تهران)» با راهنمایی آقای دکتر خلیل میرزایی و مشاوره آقای دکتر حسن محدثی گیلوایی در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز است.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
m.haji.h@gmail.com

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران واحد رودهن (نویسنده مسؤول)

mirzaeei_khalil@riau.ac.ir

۴. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران واحد تهران مرکز

ziresagfeaseaman2017@gmail.com

درآمد

دادگستری (عدالت)، مفهومی است که می‌تواند بر اساس تصور معناهای بسیار متفاوتی داشته باشد؛ نخست، در معنایی بسیار گسترده، یک فضیلت اخلاقی، احساس انصاف و برابری است که انسان‌ها در وجود خود دارند؛ و دوم، در معنایی بسیار فنی، یک وظیفه و کارکرد است؛ یعنی وظیفه قضاوت و بیان حق، هنگام وقوع اختلاف؛ و سوم، در معنایی بسیار محدود، دادگستری مجموعه‌ای از نهادها را شامل می‌شود که از رهگذر آن‌ها وظیفه قضاوت و دادگستری اجرا می‌شود؛ مانند دادگاه‌ها، دیوان‌ها، دادرسان و ... (پرو، ۱۳۸۴: ۲۵).

بر اساس اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ قوه قضاییه پنج وظیفه بنیادین و اساسی دارد که عبارت است از: رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و شکایات برای رفع خصومت و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند؛ احیاء حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجراء قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجراء حدود و مقررات جزایی اسلام و اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان.

در قانون اساسی از سه محور به عنوان وظایف اصلی قوه قضاییه یاد شده است: نخست، قضاوت که مختص فیصله دعاوی، احقاق حقوق و رسیدگی به شکایات و تظلمات است؛ دوم، نظارت که به عنوان مقدمه وظیفه اول یا به عنوان یک وظیفه دیگر و وظیفه اصلی است و قوانین و مقررات و بخش اجرا را شامل می‌شود؛ و محور سوم، پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است؛ بنابراین در صورتی که این وظایف محقق شود، می‌توان گفت قوه قضاییه به توسعه مطلوب رسیده است.

دستیابی به عدالت و کارآمدی قضایی از جمله اهداف هر نظام قضایی محسوب می‌شود. نیل به این هدف به عوامل متعدد و متنوعی نظیر سهولت دسترسی به دادگاه‌ها، دادرسی عادلانه و اجرای صحیح آراء، وجود دادگاه‌های تخصصی، منابع انسانی کافی و متخصص، تجهیز دادگاه‌ها به انواع امکانات از جمله جدیدترین تجهیزات در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تامین ملزومات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز وابسته است.

با نگاهی به عملکرد قوه قضاییه و وضعیت پرونده‌های قضایی و مقایسه آن با جمعیت کشور در ده سال اخیر، مشاهده می‌شود که ایران در سال ۱۳۸۸ با جمعیتی بالغ بر هفتاد و دو میلیون نفر، به میزان ۶۲۳۲۵۵۳ فقره پرونده وارده به کلیه واحدهای قضایی اعم از دادسرا، دادگستری شهرستان و دادگاه عمومی بخش و در پایان سال ۱۳۹۸ با جمعیتی بالغ بر هشتاد و دو میلیون نفر، به میزان ۱۳۵۶۳۳۳۴ فقره پرونده وارده داشته است (عملکرد ده ساله قوه قضاییه، ۱۳۹۸: ۶) یعنی با افزایش حدود چهارده درصد جمعیت شاهد افزایش ۱۱۷/۶۲ درصدی پرونده‌های قضایی بوده‌ایم. هرچند دستگاه قضایی به تنهایی قادر به کنترل ورودی پرونده‌ها نبوده و کمک دیگر دستگاه‌ها خصوصاً دستگاه اجرائی را می‌طلبد اما شلوغی محاکم و دادسراها و اطاله دادرسی که نقطه مقابل توسعه قضایی است، این قوه را در معرض بحران مشروعیت قرار داده است.

بر پایه مفروضات نظریه انسجام درونی، توسعه یافتگی به طور اصولی تابعی از عوامل و محرکه‌های داخلی است و توسعه یافتگی عمدتاً تابع انسجام درونی یک واحد سیاسی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۳۸). پایه حرکت در توسعه بر اساس لوزی انسجام درونی در مشروعیت قرار دارد، یعنی حل بحران مشروعیت و یا آغاز جریان‌هایی که به حل آن منجر شود، نقطه شروع اصلاحات و رشد کمی و کیفی در جامعه است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۳۹). محصول حل بحران مشروعیت، نگرش عقلانی و نظام تربیتی و آموزش پویا، روش‌ها، کاربردها و به عبارت دیگر، رشد و توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصاد، نتیجه فرایند پر مشقت فرهنگی و سیاسی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۴۰).

از آن‌جا که هر کنش یا نهاد اجتماعی متأثر از عوامل درونی و بیرونی قرار می‌گیرد، مساله توسعه در دستگاه قضایی نیز تحت‌تاثیر دو عامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است؛ کنترل بخش زیادی از عوامل برون‌سازمانی، توسط قوه قضاییه امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان با شناخت و بررسی عوامل درون‌سازمانی، به سمت حل بحران مشروعیت و پس از آن گسترش نگرش عقلانی و نهایتاً توسعه قضایی حرکت کرد.

با مرور برنامه‌های توسعه کشور، مشاهده می‌شود که جهت‌گیری برنامه‌ها

معطوف به توسعه اقتصادی است و ابعاد اجتماعی در برنامه‌های توسعه بسیار کم‌رنگ است؛ هم‌چنین امور حقوقی و قضایی به عنوان بخشی از توسعه اجتماعی بسیار مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته است. این پژوهش بر آن است که از طریق مصاحبه با نخبگان دادگستری تهران و با بهره‌مندی از تکنیک دلفی، شاخص‌های توسعه قضایی را شناسایی نموده و مورد کندوکاو قرار دهد و نهایتاً الگوی جامعی از توسعه قضایی را طراحی و صورت‌بندی نماید.

۱. توسعه و رابطه آن با توسعه قضایی

بر اساس یک تعریف، شاخص‌های ارائه شده در برنامه‌های توسعه کشور، دو دسته‌اند: شاخص‌های «توسعه‌ساز» و «توسعه‌سنج». وضعیت شاخص‌های توسعه‌ساز منجر به حرکت در مسیر توسعه می‌شود، مثلاً توسعه زیرساخت‌های صنعت با شاخص‌های توسعه‌ساز نشان داده می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که «سطح تولید» افزایش یافته و درآمد سرانه بیشتر شده است و در نتیجه آن توسعه محقق می‌شود و لذا به آن‌ها شاخص‌های توسعه‌ساز می‌گویند. در مقابل آن‌ها شاخص‌های «توسعه‌سنج» هستند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که توسعه از یک منظر و پنجره خاص چه وضعیتی دارد. شاخص‌های توسعه‌سنج به طور مستقیم تغییری در وضعیت توسعه ایجاد نمی‌کنند، بلکه وضعیت موجود را اندازه‌گیری کرده و سطح آن را نشان می‌دهند. بسیاری از شاخص‌های «توسعه‌ساز» و «توسعه‌سنج» ماهیت یا کارکردی کاملاً حقوقی و قضایی دارند. مثلاً «حمایت از آزادی‌های فردی» یا «حقوق مالکیت» یا «حاکمیت قانون» و امثال آن شاخص‌هایی هستند که در تمام برنامه‌های توسعه‌ای کشور موثرند یا بر آن‌ها تاثیر می‌گذارند (درویش‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۴).

توسعه یک کشور امری میان‌بخشی، چندوجهی و پیچیده است. آراء قضایی از دو جهت کمیت و کیفیت بر شاخص‌های توسعه‌سنج و توسعه‌ساز تأثیر مستقیم دارد. منظور از جهت کمیت آن است که سالانه بیش از پنج میلیون منازعه مطرح می‌شود، برای حل و فصل این منازعات قریب به پانزده میلیون رای قضایی صادر می‌شود. این موضوع به آن معناست که سالانه حدود پانزده میلیون رای قضایی برای حل و فصل رویدادهای اختلافی در کشور صادر شده و به وسیله این آراء نحوه حل و فصل اختلاف مشخص می‌شود. در جریان صدور این آراء به صورت مستقیم وضعیت

شاخص‌های مؤثر در توسعه کشور تعیین تکلیف می‌شود. به عنوان مثال شاخص‌هایی هم چون «میزان حمایت از حقوق مالکیت» و یا «حاکمیت قانون» و یا «ضمانت اجرای قراردادها» با این حدود پانزده میلیون پرونده رای به طور مستقیم مشخص می‌شود و فراوانی این حجم رای قضایی تأثیری مستقیم در فرایند توسعه کشور ایجاد می‌کند و وضعیت شاخص‌های مزبور را مشخص می‌کند. از جهت کیفی، تأثیر آراء قضایی در شاخص‌های توسعه‌ساز و یا توسعه‌سنبج از آن جهت است که وضعیت بهبودیافته و یا آسیب‌دیده هر یک از شاخص‌های مزبور به طور مستقیم تحت تأثیر آراء قضایی است (درویش-زاده، ۱۴۰۲: ۱۰).

بسیاری از کشورها اصلاحات قانونی و قضایی را به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه کلی پیاده می‌کنند. تحقق قوی اصلاحات اقتصادی نیاز به یک چارچوب قانونی به‌روز شده دارد و عملکرد خوب قضایی می‌تواند قوانین را به شکلی عادلانه و کارآمد تفسیر و اجرا کند (باکولیا، ۲۰۰۳: ۲۶).

نقش توسعه قضایی در توسعه اقتصادی بسیار پررنگ است و یکی از شرایط توسعه اقتصادی پس از تأمین صلح و اصل دارا شدن بدون جهت و تصویب قوانین مطلوب، وجود قوه قضاییه مستقل و توانمندی است که بتواند اجرای دقیق و صحیح قوانین را تضمین کند. برای سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی تضمینی بالاتر از احساس امنیت در کشور یا منطقه میزبان سرمایه وجود ندارد. وجود یک نهاد مستقل و کارآمد قضایی در نظارت بر عملکرد اقتصادی، افزون بر آن که می‌تواند بیش از پیش به ایجاد شفاف‌سازی اقتصادی و عدم فساد اقتصادی کمک کند، امنیت و توسعه اقتصادی را در مقوله سرمایه‌گذاری نیز به دنبال دارد (طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۶).

۲. توسعه مشارکتی

رویکرد توسعه مشارکتی به ویژه در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی سعی در پر کردن خلاء عظیم مشارکت عمومی در فرایند توسعه داشته و دو منظر را القا می‌کند؛ نخست، مشارکت افراد در مراحل مختلف برنامه‌های مرتبط با زندگی آنان فی‌نفسه یک هدف تلقی می‌شود؛ دوم، توسعه واقعی همواره با مشارکت و فعالیت‌های عمومی تحقق می‌پذیرد (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴). مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر

اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود و قالب‌هایی چون انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های مردمی را به خود می‌گیرد، بخشی از فرایند این توسعه را تشکیل می‌دهند (غفاری، ۱۳۸۰: ۶). در این رویکرد؛ مشارکت دیگر یک عامل توسعه در کنار عوامل دیگر به حساب نمی‌آید، بلکه هدفی بزرگ است که توسعه در صدد رسیدن به آن است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۸۴).

با توجه به نقش کلیدی مشارکت در توسعه انسان‌محور، چهار کارکرد برای مشارکت ذکر شده است: کارکرد شناختی، کارکرد اجتماعی، کارکرد سیاسی و کارکرد ابزاری (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳). حسب کارکرد شناختی، مشارکت مولد گفتمان و عملیات مربوط به توسعه‌ای است که مبتنی بر شیوه متفاوتی از فهم واقعیت‌های مربوط به توسعه است ... مشارکت مردمی معنا و نقش جدیدی از توسعه ارائه می‌دهد که مبتنی بر صورت‌های متفاوتی از تعامل، کاوش و کنکاش مشترک برای نیل به شناخت مردمی و بومی جدیدی است.

به لحاظ اجتماعی، مشارکت می‌تواند نهادها، گروه‌ها و افراد درگیر در فرایند و فعالیت‌های توسعه‌ای را در قالب بازه‌ای جدید صف‌آرایی نموده و به آن‌ها توانمندی لازم را جهت برآوردن نیازهای اصلی و ریشه‌کن نمودن فقر اعطا نماید. از منظر سیاسی، مشارکت می‌تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت و خاموش منبع مشروعیت بخش به توسعه باشد. به لحاظ ابزاری، رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و نیز با بهره‌گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب‌پذیران را به مراقبت از خودشان فرا می‌خواند (رهنما، ۱۹۹۹: ۱۲۱-۱۲۲؛ غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴).

۳. توسعه قضایی در منظومه توسعه مشارکتی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصلاحات متعددی در نظام قضایی صورت گرفته است، اما مفهوم توسعه قضایی مربوط به اوایل دهه هشتاد است. توسعه قضایی اقدامات زیربنایی، اساسی و هدفمند است برای رسیدن به کیفیت و کارایی و عدالت و اعتماد سازی مردم نسبت به نظام قضایی است. بر اساس این تعریف، توسعه قضایی از جنس اقدامات سطحی نیست، بلکه یک اقدام زیربنایی است؛ زیرا مبتنی بر هدف مشخص است و هدف آن ایجاد تحول است. هدف توسعه قضایی دستیابی

به عدالت برای بالا بردن کیفیت و کارایی نظام قضایی است. به عبارت دیگر، توسعه قضایی مجموعه اقداماتی است که بر اساس اصول علمی و حقوقی برنامه‌ریزی و تدوین شده است و هدف آن اصلاح و بهبود نظام قضایی به مفهوم عام آن است. نظام قضایی به مفهوم عام، تدوین قوانین، نظارت بر اجرا، فرایند دادرسی و اجرای حکم را دربرمی‌گیرد. برای دستیابی به توسعه قضایی و هر یک از مولفه‌های آن ضروری است تا برنامه‌ریزی مدونی صورت گیرد. توجه به دو مقوله اساسی می‌تواند تا حدود زیادی اهداف ما را در توسعه قضایی برآورده سازد؛ یکی نگاه سیستمی و اصلاحات مدیریتی در نظام قضایی و دیگری اصلاح در حیطه قوانین و مقررات (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۹: ۱۸).

مشارکت از سه عنصر اساسی آگاهانه بودن، داوطلبانه و ارادی بودن و تاثیرگذار بودن تشکیل شده است. در سیاست جنایی مشارکتی، تامین امنیت به عنوان برآیند مبارزه با پدیده‌های اجتماعی است که با مشارکت مردم تحقق می‌پذیرد. به بیان دیگر، قانون‌گذار و مجری قانون در سیاست جنایی مشارکتی با گذر از پاسخ‌های سرکوبگر صرف، در مقابل جرم و بزه و هنجارشکنی اجتماعی، تمرکز خود را بر روی ارائه واکنش توسعه‌محور، توجه هم‌زمان به پیش‌گیری در کنار مجازات‌های رسمی و واکنش‌های غیرکیفری معطوف می‌دارد تا در نهایت منجر به ایجاد و توسعه و ترویج سازکارهای غیرکیفری بدون توسل به فرایندهای قضایی شود (جمشیدی، ۱۳۸۸: به نقل از نادری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۹۲).

مشارکت مردم در توسعه قضایی را می‌توان از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار داد: نخست، مشارکت در مراحل رسیدگی مانند اقامه گواهی و علنی بودن رسیدگی‌ها (نظارت مردم بر فعالیت دستگاه قضایی و مشارکت غیرمستقیم مردم در عادلانه شدن رسیدگی‌ها)؛ دوم، بازپروری و اصلاح مجرمان با کمک مردم از طریق روش‌های محیط باز و نیمه آزادی و یا تشکیل انجمن‌ها و موسسات خصوصی در راستای کمک به بزه‌کاران و بزه‌دیدگان؛ سوم، مشارکت از طریق عضویت در شوراهای حل اختلاف، شورای مصالحان و ... و کمک در راستای حل و فصل امور از طریق صلح و سازش و یا روش‌های غیر قضایی.

۴. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، برای شناسایی شاخص‌های توسعه قضایی بر اساس تئوری زمینه‌ای عمل شده است. این تئوری نوعی استراتژی پژوهشی برای علوم اجتماعی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی به نام گلیسر و استراوس در اوایل دهه ۱۹۶۰ در کتابی با عنوان نظریه داده بنیاد ارائه شد (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). در تئوری زمینه‌ای هدف اکتشاف و خلق نظریه از داده‌های نظری گردآوری شده با ابزارهای مختص پژوهش‌های کیفی مانند مصاحبه، سندکاوی و ... است. این تئوری متشکل از شش مقوله شرایط علی، تبیین پدیده، شرایط زمینه‌ای، شرایط واسطه‌ای، راهبردهای عملیاتی و پیامدها (فراس‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۱) بوده که به روش کدگذاری داده‌های کیفی در قالب یک مدل نمود پیدا می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). در این مرحله با تحقیق میدانی با استفاده از تکنیک دلفی، از طریق مصاحبه با نخبگان، قضات و کارمندان اداری خبره که از میان بیست معاون قضایی و هشت معاون ستادی رئیس کل دادگستری استان، بیست و دو سرپرست مجتمع قضایی، سی و هشت سرپرست ناحیه دادسرا و پانزده مدیر اداری (منابع انسانی قوه قضاییه به روایت آمار، ۱۳۹۸)، ده نفر به روش تصادفی ساده انتخاب می‌شوند. در این بخش با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت یافته به پرسشی مبنی بر این که: «شاخص‌های توسعه قضایی کدامند؟» پاسخ می‌دهند. در ادامه پنج نفر دیگر به روش تصادفی ساده انتخاب می‌شوند و نمونه‌گیری و مصاحبه با نخبگان تا حصول اشباع نظری ادامه می‌یابد. نهایتاً مشاهده شد که پس از مصاحبه با بیست نفر از نخبگان، پاسخ‌های ارائه شده تکراری است.

در مرحله آخر از فرایند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز)، مفاهیم (کدگذاری محوری) مشخص شد. شاخص‌های توسعه قضایی به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول شماره ۱: فهرست شاخص‌های توسعه قضایی

ردیف	مفاهیم استخراج شده اولیه	شاخص‌های توسعه قضایی	فراوانی	کد
۱	استقلال دستگاه قضایی	استقلال دستگاه قضایی	۱۱	A1
۲	استقلال قاضی و عدم دخالت هیچ مقامی در امر قضا			A1
۳	رسیدگی تخصصی به جرائم و دعاوی	رسیدگی تخصصی و عادلانه به جرائم و دعاوی	۲۴	A2
۴	تصمیم‌گیری و تصدی امور حسبه			A2
۵	تعقیب و مجازات مجرمان			A2
۶	حل و فصل دعاوی بر اساس حق و عدل			A2
۷	حمایت از حقوق عمومی و خصوصی			A2
۸	تلاش برای برخورداری از دادرسی عادلانه			A2
۹	افزایش انتقاد آراء قضایی	رسیدگی دقیق و سریع	۱۹	A3
۱۰	رسیدگی سریع و دقیق و کاهش پرونده‌های مانده			A3
۱۱	کاهش مراحل رسیدگی قضایی			A3
۱۲	کاهش مدت زمان رسیدگی			A3
۱۳	پیش‌گیری از وقوع جرم-جرم‌زدایی و بالایش جامعه	پیش‌گیری از جرائم و دعاوی	۱۸	B1
۱۴	کاهش ورودی پرونده‌ها			B1
۱۵	کاهش دعاوی حقوقی و خانواده			B1
۱۶	کاهش زندانیان، مجرمان و دعاوی			B1
۱۷	سهولت دسترسی به مراجع قضایی	گسترش عدالت و امنیت قضایی	۱۷	B2
۱۸	توسعه عدالت اسلامی اجتماعی			B2
۱۹	ایجاد امنیت قضایی در جامعه			B2
۲۰	تلاش در راستای افزایش خدمات حقوقی قضایی ارزان			B2
۲۱	صیانت از آزادی‌های مشروع	صیانت از آزادی و حقوق شهروندی	۱۴	B3
۲۲	تلاش در جهت ارتقاء فرهنگ حقوقی جامعه			B3
۲۳	تلاش در جهت برخورداری از وکیل و مشاور حقوقی			B3
۲۴	تکریم و حفظ حقوق شهروندی			B3
۲۵	تلاش برای علنی بودن دادرسی‌ها			B3
۲۶	رعایت حقوق انسانی مجرمان			B3
۲۷	تلاش برای بازدارندگی مجازات‌ها	اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و رویه‌های قضایی	۲۸	C1
۲۸	تقویت ارشاد و معاضدت قضایی			C1
۲۹	بالایش قوانین و مقررات و حذف قوانین زائد			C1
۳۰	الگوپردازی از سایر سازمان‌های موفق			C1
۳۱	رشد و توسعه رویه‌های قضایی مناسب و رعایت تشریفات آئین دادرسی			C1

C1		پالایش شکوائیه‌ها و رویه‌های قضایی	۳۲
C1		به‌روزرسانی قوانین و مقررات و عناوین دعاوی و جرائم	۳۳
C1		اصلاح قوانین با معیارهای اسلامی	۳۴
C2		نظارت بر اجرای صحیح قوانین	۳۵
C2	۱۵	نظارت بر حسن اجرا قانون	۳۶
C2		نظارت بر ضابطان و زندان‌ها	۳۷
D1		نوسازی و تجهیز سازمان قضایی از طریق فناوری در بستر شبکه امن	۳۸
D1	۲۰	توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی	۳۹
D1		تقویت دادرسی الکترونیک و گسترش فناوری‌ها	۴۰
D2		توسعه دفاتر خدمات الکترونیک قضایی	۴۱
D2		دسترسی سریع و برخط به اطلاعات اشخاص	۴۲
D2	۱۶	افزایش استفاده از فناوری‌های نوین و دسترسی سریع به اطلاعات پرونده‌ها	۴۳
D2		گسترش کمی و کیفی محاکم قضایی الکترونیکی	۴۴
D2		توسعه ارتباطات محاکم با سازمان‌های وابسته و نهادهای کارشناسی با استفاده از فناوری‌ها	۴۵
E1		ارتقاء سیستم زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی	۴۶
E1	۱۷	ارتقاء سیستم پزشکی قانونی	۴۷
E1		ارتقاء سیستم ثبت اسناد و املاک و توسعه ثبت رسمی معاملات و اجراء سریع و دقیق کاداستر	۴۸
E1		الزامی نمودن ثبت معاملات ملکی و خودرو	۴۹
E2		ارتقاء وضعیت وکلا و مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷	۵۰
E2	۱۲	ارتقاء وضعیت کارشناسان رسمی، مترجمان و مشاوران خانواده	۵۱
E2		ارتقاء وضعیت دفاتر اسناد رسمی و خدمات الکترونیک	۵۲
F1		انسجام درونی و وجود ارتباط معنی‌دار و تضمین شده	۵۳
F1	۱۲	کاهش تضاد، تعارض و تبعیض بین کارکنان	۵۴
F1		توسعه شبکه‌های یادگیری و فعالیت‌های تیمی	۵۵
F2		ارتقاء نظارت داخلی، کاهش فساد اداری در قوه قضاییه	۵۶
F2	۱۶	افزایش اعتماد عمومی به قوه قضاییه و حل بحران مشروعیت	۵۷
F3		استانداردسازی ساختار و ثبات تشکیلات	۵۸
F3	۷	توسعه منابع فیزیکی و افزایش حوزه عملکردی	۵۹
F3		توسعه سیستم مدیریت اداری	۶۰

G1	۱۴	به‌کارگیری روش‌های غیرقضایی حل و فصل دعاوی	استفاده از روش‌های غیرقضایی حل و فصل دعاوی	۶۱
G1			واگذاری امور به شوراهای حل اختلاف و تقویت صلح و سازش	۶۲
G2	۱۲	افزایش تعامل با دیگر دستگاه‌ها	تقویت حضور نمایندگان قوه در نهادهای اجرایی	۶۳
G2			قضازدایی و استفاده از ظرفیت نهادهای شبه قضایی	۶۴
G2			اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی	۶۵
G2			افزایش تعامل با دیگر قوا و دستگاه‌های اجرایی	۶۶
G2			واگذاری مسئولیت‌ها به دستگاه‌های متولی و مرتبط	۶۷
G3	۵	توسعه مشارکتهای مردمی	تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتقاء مشارکتهای مردمی	۶۸
G3			افزایش نسبت آراء صادر شده توسط نهادهای داورى و میانجی‌گری	۶۹

۵. شاخص‌های توسعه قضایی

با توجه به یافته‌های این تحقیق، شاخص‌های توسعه قضایی به شرح آتی است.

۱-۵. کارآمدی قوه قضاییه

کارآمدی قوه قضاییه به معنای رسیدگی مستقل، سریع، دقیق و تخصصی: بر اساس مصوبات هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵، استقلال قوه قضاییه باید توسط دولت تضمین و در قانون اساسی یا قانون کشور تصریح شود. وظیفه تمامی نهادهای دولتی و سایر نهادها رعایت احترام به استقلال قوه قضاییه است (علم، ۱۳۸۴: ۱۰).

اتقان آراء قضایی از جمله ضرورت‌های نظام قضایی عادلانه به‌شمار می‌رود که فراگیر شدن آن در ردیف پیش‌نیازهای اساسی تحول قوه قضاییه دانسته شده و تحقق آن، ارتقاء کیفیت دادرسی را در پی خواهد داشت. در جهت دستیابی به این مهم، اصول یکصد و شصت و شش^۱ و یکصد و هفتم^۲ قانون اساسی جمهوری

۱. احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۲. قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اسلامی ایران، ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹^۱ و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۲ تصریح به لزوم مستند و مستدل بودن آراء صادره دادگاه‌ها نموده است (ذبیحی، ۱۴۰۱: ۱۱۸). دادرسی بنیادی‌ترین وظیفه تعیین شده برای قوه قضاییه است؛ بنابراین برای نیل به توسعه قضایی تمهید سازکارهای لازم برای افزایش سرعت، دقت و تخصصی شدن رسیدگی به پرونده‌های قضایی با رعایت استقلال قضات و دستگاه قضایی است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که کارآمدی قوه قضاییه نیز بنیادی‌ترین شاخص توسعه قضایی است که بر اساس طبقه‌بندی پاسخ‌های نخبگان، در سه محور فرعی قابل تعریف است: استقلال دستگاه قضایی، رسیدگی تخصصی و عادلانه به جرائم و دعاوی و رسیدگی دقیق و سریع.

۲-۵. پیش‌گیری از وقوع جرم، گسترش عدالت و آزادی

علاوه بر اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی که به دو مقوله «گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع» و «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» به عنوان بخشی از وظایف قوه قضاییه اشاره کرده است، برای حفظ و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع نیز اصول متعددی مقرر شده است. اقدامات تأمینی سالب آزادی برخی مجرمان، اقدامات محدودکننده آزادی و سایر اقدامات تأمینی برای حفظ نظم و رعایت حقوق و آزادی مردم به عنوان مکانیزم‌های پیش‌گیرانه قابل استفاده است (گلدوزیان، ۱۳۸۲: به نقل از کرمی، ۱۳۹۴: ۵۵)؛ بنابراین بر اساس یافته‌های به دست آمده در مطالعه میدانی و مقایسه مقررات وضع شده و اقدامات تأمینی مرتبط می‌توان مقوله «پیش‌گیری از وقوع جرم، گسترش عدالت و آزادی» را به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه قضایی در نظر گرفت که ناظر بر سه محور فرعی است: نخست، پیش‌گیری از وقوع جرائم و دعاوی؛ دوم، گسترش عدالت و امنیت قضایی؛ و سوم، صیانت از آزادی و حقوق شهروندی.

۱. رای دادگاه پس از انشاء لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرسی یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد ...

۲. دادگاه پس از ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رای مبادرت می‌کند.

۳-۵. توسعه ساختار و منابع

بر اساس اصول یکصد و پنجاه و هفت^۱ و یکصد و پنجاه و هشتم^۲ قانون اساسی به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در تمام امور قضایی، اداری و اجرایی و ایجاد ساختار و تشکیلات و استخدام قضات عادل و شایسته، عزل و نصب و تغییر محل خدمت و امور اداری از این قبیل، از اختیارات رئیس قوه قضاییه است که بدون دخالت قوه مجریه شکل می‌گیرد.

بر پایه مفروضات نظریه انسجام درونی، توسعه‌یافتگی به طور اصولی تابعی از عوامل و محرکه‌های داخلی است و توسعه‌یافتگی عمدتاً تابع انسجام درونی یک واحد سیاسی است (سریع القلم، ۱۳۹۶: ۳۸). از آنجایی که سرمایه انسانی به عنوان اصلی‌ترین سرمایه هر سازمانی می‌باشد، طراحی و برنامه‌ریزی ساختار و تشکیلات برای تعیین جایگاه کارکنان و جهت‌دهی رفتار سازمانی و پس از آن فرایندنگاری و بهبود روش‌های انجام کار برای ایجاد انسجام درون سازمانی به عنوان اولین گام و پس از آن پیش‌بینی منابع مالی، فیزیکی و انسانی گام‌های بعدی در راستای توسعه سازمانی است بنابراین می‌توان شاخص «توسعه ساختار و منابع» را به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه قضایی در نظر گرفت که در سه محور فرعی تبیین شده است: نخست، انسجام درون سازمانی؛ دوم، ثبات ساختار و تشکیلات؛ و سوم، توسعه منابع فیزیکی و سرمایه انسانی.

۴-۵. حاکمیت قوانین، مقررات و رویه‌ها

تجربه بشری حکایت از قانون‌گزینی اشخاص حقیقی و حقوقی دارد. قوای مجریه و قضاییه دو دستگاه مجری قانون به‌شمار می‌روند. پس از وضع قانون، ابتدایی‌ترین انتظار این است که قانون به مرحله اجرا برسد تا موجبات امنیت و کلیت جامعه را فراهم آورد. تجربه قانون‌گذاری در همه کشورها حاکی از آن است که برای

۱. به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است.

۲. وظایف رئیس قوه قضاییه به شرح زیر است: ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم؛ تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران؛ استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری طبق قانون.

اجراء صحیح و مطلوب قانون، یک مولفه نقش بنیادی دارد و آن نظارت است (کرمی، ۱۳۹۴: ۵۶).

در اصول اصول یکصد و پنجاه و هفت و یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی مکانیزم‌ها و تضمینات موکدی در خصوص وظیفه نظارتی قوه قضاییه لحاظ شده است. با عنایت به موارد فوق‌الذکر و با توجه به این‌که نظارت بر اجرای قانون از وظایف بنیادی قوه قضاییه است، یکی از شاخص‌های توسعه قضایی عبارت است از «حاکمیت قوانین، مقررات و رویه‌ها» که در دو محور فرعی شامل نظارت بر حسن اجرای قانون و اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و رویه‌های قضایی بیان شده است.

۵-۵. نظارت و ارتقاء عملکرد مرتبطان

تمیز حق از باطل، اجرای عدالت و حکومت بین اصحاب دعوا در محاکم، اگرچه به عهده دادرسان و با همکاری کارمندان اداری دادگستری است، اما انجام این مهم به گونه‌ای شایسته و دقیق، مستلزم همکاری اشخاصی است که با توجه به تخصص خویش در این امور با محاکم معاونت می‌نمایند (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۹: ۱۱۱). با توجه به این‌که دادرسی عادلانه، نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیش‌گیری از وقوع جرم وظایف بنیادی قوه قضاییه است، بی‌شک مرتبطان با دستگاه قضایی اعم از وکلا، کارشناسان، ضابطان و ... نقش بسیار مهمی در انجام وظایف محوله دارند؛ بنابراین شاخص «نظارت و ارتقاء عملکرد مرتبطان» را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه قضایی منظور کرد که در دو محور فرعی شامل نظارت بر دستگاه‌های مرتبط (سازمان‌های پزشکی قانونی، زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و ثبت اسناد و املاک و ...) و ارتقاء وضعیت نهادهای حرفه‌ای مرتبط با قوه قضاییه بیان شده است.

۵-۶. مبارزه با فساد و حل بحران مشروعیت

پایه حرکت در توسعه بر اساس لوزی انسجام درونی در مشروعیت قرار دارد؛ یعنی حل بحران مشروعیت و یا آغاز جریانی که به حل آن منجر شود، نقطه شروع اصلاحات و رشد کمی و کیفی در جامعه است. محصول حل بحران مشروعیت، نگرش عقلانی و نظام تربیتی و آموزش پویا، روش‌ها، کاربردها و به عبارت دیگر، رشد و توسعه اقتصادی است. توسعه اقتصادی، نتیجه فرایند پر مشقت فرهنگی و

سیاسی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۳۹-۴۰). نخستین گام برای رسیدن به توسعه در هر سازمان، حل بحران مشروعیت است. بدیهی‌ترین اصل برای این‌که هر سازمانی در معرض این بحران قرار نگیرد، افزایش مقبولیت در سطح جامعه و جلوگیری از فساد درون آن سازمان می‌باشد. با این اوصاف، شاخص «مبارزه با فساد و حل بحران مشروعیت» را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه قضایی در نظر گرفت که در دو محور فرعی شامل ارتقاء نظارت داخلی و مبارزه با فساد اداری و افزایش اعتماد عمومی و حل بحران مشروعیت بیان شده است.

۷-۵. نوسازی و فناوری

ظهور نظریه‌های مدیریت عمومی نوین و این عقیده که مدیریت قضایی تفاوتی با مدیریت در سایر ادارات عمومی ندارد، موجب ایجاد این عقیده شده که «اعتبار نظام قضایی نه تنها به قضاوت‌های متقن و عادلانه بلکه به ارائه خدمات مناسب نیز وابسته است (فابری و لنگبروک، ۲۰۰۰: به نقل از شاهسونند و خجسته بخت، ۱۳۸۸: ۲۵). با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارائه هرگونه خدمتی به جز در بستر فناوری‌ها امکان‌پذیر نیست. بی‌شک توسعه فناوری‌ها نیز یکی از ابعاد کارآمدی هر سازمانی می‌باشد، اما با توجه به گسترش و تغییرات روز به روز فناوری‌های نوین می‌توان شاخص «نوسازی و فناوری» را به عنوان یک شاخص مستقل برای توسعه قضایی در نظر گرفت که در دو محور فرعی شامل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و الکترونیکی شدن خدمات مرتبط با قضا بیان شده است.

۸-۵. مشارکت و توسعه حل غیر قضایی اختلاف

طبیعت خاص روابط اجتماعی و ویژگی‌های جامعه‌شناختی ایران، امکان حل و فصل بسیاری از اختلافات مردم را بدون مراجعه به دادگاه فراهم می‌آورد. اهمیت و احترام فوق‌العاده مردم ایران به نهاد روحانیت و نیز پای‌بندی آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید دین اسلام مانند لزوم پرهیز از کینه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات، از جمله زیرساخت‌های روانی و جامعه‌شناختی ایران است که زمینه حل اختلافات از طریق ریش‌سفیدی و روش‌های آشتی‌جویانه را فراهم می‌آورد (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

توسعه مشارکتی و ائتلاف و تفاهم و نگرش ترکیبی، یکی از اصول اساسی در

مملکت‌داری است. مشارکت عمومی به طور طبیعی جامعه را به سوی هدفمند شدن و مهم‌تر از آن به سوی اهداف مشترک میان نیروهای علاقه‌مند به پیشرفت و تکامل سوق می‌دهد و متعاقباً تشکل اجتماعی به عنوان یک ضرورت در فرایند توسعه‌یافتگی ظهور می‌کند؛ بنابراین شاخص «مشارکت و توسعه حل غیرقضایی اختلاف» نیز یکی از محورهای توسعه قضایی است که در سه محور فرعی بیان شده است: نخست، به‌کارگیری روش‌های غیرقضایی حل و فصل دعاوی؛ دوم، توسعه مشارکت‌های مردمی؛ و سوم، افزایش تعامل با دیگر دستگاه‌ها.



برآمد

۱- در ارزیابی کارآمدی قوه قضاییه، شاخص‌های استقلال دستگاه قضایی، رسیدگی تخصصی و عادلانه و سریع و دقیق به جرائم و دعاوی باید مورد نظر قرار گیرد.

۲- توسعه ساختار و منابع قوه قضاییه منوط به تحقق انسجام درون سازمانی، ثبات ساختار و تشکیلات و توسعه منابع فیزیکی و سرمایه انسانی است.

۳- ارزیابی حاکمیت قوانین، مقررات و رویه‌ها در قوه قضاییه با شاخص‌هایی چون نظارت بر حسن اجرای قانون و اصلاح و به‌روزرسانی آن‌ها میسر خواهد بود.

۴- در مبارزه با فساد باید به ارتقاء نظارت داخلی و مبارزه با فساد اداری و افزایش اعتماد عمومی و حل بحران مشروعیت توجه داشت.

۵- به‌کارگیری روش‌های غیرقضایی حل و فصل دعاوی، توسعه مشارکت‌های مردمی و افزایش تعامل با دیگر دستگاه‌ها، شاخص‌هایی است که در ارزیابی توسعه قوه قضاییه باید مورد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * افشارنیا، طیب و مبین، حجت (۱۳۸۹)، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران: خرسندی.
- * امین، سیدحسین (۱۳۸۲)، تاریخ حقوق ایران، تهران: دایره المعارف ایران.
- * پرو، روژه (۱۳۸۴)، نهادهای قضایی فرانسه، برگردان: شهرام ابراهیمی و عباس تدین، قم: سلسبیل.
- * زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۳)، توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
- * زندیه، حسن (۱۳۸۷)، «نخستین چالش‌های نظام کهن قضایی و تجارب عصر جدید (عصر حکومت سنتی قاجار/ عصر پیش از مشروطیت)»، فرهنگ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- * قلی‌پور، آرین (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: سمت.
- * عبری، موسی (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.
- * گلشن فومنی، محمد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، تهران: دوران.
- * ندروین پیترز، جان (۱۳۹۵)، نظریه توسعه، برگردان: انور محمدی، تهران: گل آذین.
- * مرکز مطالعات راهبردی و مدیریت تحول قوه قضاییه (۱۳۹۸)، عملکرد ده ساله قوه قضاییه، تهران: مرکز مطالعات راهبردی و مدیریت تحول قوه قضاییه.
- * معاونت منابع انسانی قوه قضاییه (۱۳۹۸)، منابع انسانی به روایت آمار تا پایان سال ۱۳۹۷، تهران: معاونت منابع انسانی قوه قضاییه.
- * مهدی شاهسون، مجتبی خجسته‌بخت (۱۳۸۸)، سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی، تهران: روزنامه رسمی.
- * یوسفی، یحیی (۱۳۹۷)، اخلاق حرفه‌ای در نظام قضایی ایران، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.
- * علم، محمود (۱۳۸۴)، دادگستری استاندارد در اسناد بین‌المللی، تهران: میزان.
- * مینا، محسن و سیاهپور، محمدرضا (۱۴۰۲)، بایسته‌های قانون‌گذاری ایرانی،

تهران: میزان.

* ذبیحی، عاطفه (۱۴۰۱)، «شاخص‌های اتقان آراء قضایی مستند به اسناد بین‌المللی؛ با تأکید بر آراء دعاوی خانواده»، تهران: مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۲۰.

* مرادخانی، فردین (۱۴۰۲)، «کوشش ایرانیان برای تاسیس شورای دولتی در عصر مشروطیت»، تهران: مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۲.

* رضاقلی، علی (۱۳۹۱)، «تاریخ توسعه و توسعه نیافتگی»، تهران: صفحه مجازی نگارنده.

* شهری، شهرزاد (۱۳۸۰)، سند همکاری برنامه عمرانی توسعه ملل متحد با معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.

* فره‌وشی، فاطمه (۱۳۹۷)، «نقش فناوری در دادرسی»، تهران: مرکز مطالعات راهبردی و مدیریت تحول قوه قضاییه، سال نخست، شماره ۱.

* قاسمی، آمنه و دلبری، شهربانو (۱۳۹۴)، «تطبیق و واکاوی تاثیرات دادگستری و دادرسی در ایران باستان بر دادگستری نوین»، فصل‌نامه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۴۴.

* درویش‌زاده، محمد (۱۴۰۲)، «کارکرد توسعه‌سنجی و توسعه‌سازی در رای قضایی»، نقد و تحلیل آراء قضایی شماره ۱.

* طهماسبی، فرهاد و گرجی، علی‌اکبر و یاور، اسدالله (۱۴۰۱)، «نقش نهادهای قضایی در توسعه و امنیت اقتصاد سیاسی ایران»، ماهنامه جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵.

* نادری، قائم و عباسی، اصغر و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۹)، «سیاست‌های جنایی مشارکتی»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۲.

ب. انگلیسی

* Bakolius, Maria (2000), **Legal and Judicial Development: The Role of Civil Society in the Reform Process**, Fordham International Law Journal, Vol. 24, Issue 6.

* C. Teehankee. Julio, Fellow, Senior (2003), Background Paper on Ac-

cess to Justice Indicators in Asia- Pacific Region, U.N.D.P.

* E. Messick, Richard (1999), **Judicial Reform and Economic Development: A Survey of the Issues**, The Word Bank Research Observer, Vol.14, no.1.

* Leczykiewicz, Dorota (2019), **Judicial Development of EU Fundamental Rights Law in the Digital Era- A fresh look at the concept of 'General Principles'**, Oxford Legal studies research, no. 54, London, U.K.

* Rudolf V.Van Paymbroeck (2001), **Comprehensive Legal and Judicial Development (Toward an agenda for a just and equitable society in 21'st century**, The Word Bank, Washington D.C, U.S.A.

* Sen, Amartya (2000), **Role of Legal and Judicial Reform in Development**, Word Bank Legal Conference, Washington D.C, U.S.A.